

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی- قرآنی»
سال چهارم/ شماره دوم/ تابستان ۱۳۹۵

نشانه شناسی ادبی شخصیت فرعون در قرآن کریم
. محمد علی عامری^۱، علی باقر طاهری نیا^۲ و معصومه شبستری^۳

چکیده

نشانه شناسی ادبی شخصیت، شاخه‌ای از نشانه شناسی در حوزه زبان محسوب می‌شود، که با استفاده از آن می‌توان به آگاهی عمیق‌تر و دقیق‌تری از دلالت‌های شخصیت دست یافت. قرآن کریم بعنوان برجسته‌ترین متن ادبی، سرشار از نشانه‌های زبانی است، که یکی از این نشانه‌ها، شخصیت‌های بسیاری است که در این کتاب ارزشمند آسمانی مستقیماً ذکر شده‌اند. در این میان، شخصیت فرعون یکی از پر تکرارترین شخصیت‌های قرآنی محسوب می‌شود. از این رو مطالعه نشانه شناختی این شخصیت، می‌تواند به شناخت چیرستی، مفاهیم و دلالت‌هایی که در پس شخصیت فرعون نهفته است، بیانجامد.

پژوهش حاضر بر اساس نظریه نشانه شناسی شخصیت فیلیپ هامون، نشانه شناس فرانسوی، شخصیت فرعون در قرآن کریم را با رویکرد نشانه شناسی و از حیث دال (نام، جایگاه نحوی، ضمایر و بعد بلاغی) و مدلول (صفات، کنش گفتاری و کنش رفتاری)، مورد مطالعه قرار داده است، و اثبات کرده است که: اسم، القاب و اوصاف شخصیت فرعون با کارکرد داستانی وی هم سو و هماهنگ است، و به واسطه پیوند علم نشانه شناسی و تأویل و درک و شناخت عمیق‌تر شخصیت فرعون، این تحقیق به فهم دقیق و ظرایف کاربرست واژگان در قرآن کریم کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: نشانه شناسی، شخصیت، فرعون، قرآن کریم، فیلیپ هامون.

**تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۰۹/۱۳

^۱ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران. mohamadaliameri@gmail.com

^۲ نویسنده مسئول: استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران. btaheriniya@ut.ac.ir

^۳ دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران. shabestar@ut.ac.ir

مقدمه

دانش نشانه‌شناسی از جمله دانش‌های نوینی می‌باشد که موجب افزایش آگاهی انسان، و توجه به اموری است که تا کنون از دیدگان او پنهان مانده‌اند. نشانه‌شناسی دامنه بسیار وسیعی از نظام‌های زبانی و غیر زبانی گوناگونی را در بر می‌گیرد و مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. اگر چه نشانه‌شناسی ریشه در قرون پیشین داشته، اما در اوایل قرن بیستم توسط فردینان دو سوسور (Ferdinand de Saussure) زبان‌شناس سوئیسی و چارلز ساندرز پیرس (Charles Sanders Peirce) فیلسوف امریکایی به یک دانش جامع تبدیل شد. نشانه‌شناسی در حوزه نظام‌های زبانی نیز دارای انواع و شاخه‌هایی متعدد و گوناگون می‌باشد، که یکی از آن‌ها نشانه‌شناسی شخصیت می‌باشد، که در پژوهش حاضر بعد ادبی آن مورد نظر قرار گرفته است.

قرآن کریم بعنوان برجسته‌ترین متن ادبی در استفاده از نشانه بعنوان ابزار زبانی، الگویی سرآمد است. شخصیت‌های گوناگونی در قرآن مجید ذکر شده است و از آنجا که این قصص در عین واقعی بودن در اوج زیبایی هنری و لطافت ادبی قرار دارد، بررسی اسم‌های خاص بکار رفته در داستانها در چارچوب نظری ذکر شده حوزه‌های دلالتی و معنایی جدیدی را به روی خواننده خواهد گشود. از جمله این شخصیتها، می‌توان به شخصیت فرعون اشاره کرد. فرعون که از جمله حاکمان مطرح شده در قرآن می‌باشد، یکی از پربسامدترین شخصیت‌هایی به شمار می‌آید، که به صورت مستقیم در قرآن کریم از آنان سخن رفته است. از جمله اهداف به کارگیری دانش نشانه‌شناسی در رابطه با شخصیت فرعون، علاوه بر آشکار نمودن معانی ظاهری، تولید معانی تازه و کشف لایه‌های پنهان دلالت این شخصیت می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در میان معدود آثاری که به نشانه‌شناسی شخصیت پرداخته است می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

پایان نامه نشانه‌شناسی شخصیت‌های تمثیلی در آثار شکسپیر نوشته پری ناز لطف‌اللهی (دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد کارگردانی، ۱۳۸۷). وی در پژوهش خود شخصیت‌های تمثیلی آثار شکسپیر را از بعد نشانه‌شناسی و طبق نظریه ابرسفلد، مورد بررسی قرار داده است. پایان نامه نشانه‌شناسی ادبی شخصیت زنان در قرآن کریم نوشته زهره حیدری

(دانشگاه بو علی سینا، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، ۱۳۹۱). او در پژوهش خود از بعد نشانه‌شناسی و براساس نظریه فیلیپ هامون اقدام به بررسی و تحلیل شخصیت زنان در قرآن کریم نموده است. همچنین شایان ذکر است که این پایان نامه در مسابقات قرآن دانشجویان مسلمان دانشگاه های جهان به عنوان پایان نامه قابل تقدیر شناخته شد. مقاله سیمیائیه الشخصیات فی القاهره الجدیده لنجیب محفوظ نوشته دکتر جهاد یوسف العرجا (کلیه الآداب- قسم اللغة العربیة، الجامعة الإسلامیة بغزة، ۲۰۰۲). وی در پژوهش خود شخصیت‌های داستان مورد نظر را از بعد نشانه‌شناسی و با در نظر گرفتن ویژگی‌های گوناگون شخصیت‌ها (نظیر نام، سن و...) مورد مطالعه قرار داده است. مقاله ساختار نشانه‌ای شخصیت مریم (س) در قرآن کریم نوشته دکتر علی باقر طاهری نیا و زهره حیدری (فصل نامه لسان مبین، شماره پانزدهم، ۱۳۹۳، ص ۶۴-۴۵). نگارندگان این مقاله شخصیت مریم (س) را از بعد نشانه‌شناسی و براساس نظریه فیلیپ هامون مورد بررسی قرار داده‌اند.

سوالات پژوهش

- ۱- چگونه نام و لقب شخصیت فرعون با کارکرد داستانی وی تناسب دارد؟
- ۲- مهم‌ترین دستاورد بررسی نشانه‌شناختی شخصیت فرعون چیست؟

روش پژوهش

روشی که در نگارش پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است، توصیفی _ تحلیلی می باشد. در این پژوهش نظریه فیلیپ هامون (Philippe Hamon) نشانه‌شناس فرانسوی بعنوان الگو مورد استفاده قرار گرفته است. چرا که این نظریه به گونه‌ای جامع و دقیق مسأله شخصیت را بررسی نموده و از طریق آن می‌توان به جایگاه و اهمیت شخصیت در متن پی برد. شایان ذکر است که نظریه هامون را نمی‌توان بدون هیچ گونه تغییر و تحولی در رابطه با شخصیت مورد بررسی، به کار بست، چرا که این نظریه متناسب با داستان‌های بشری ارائه شده است و نه تمامی متون. متونی از جمله قرآن کریم، که هدفشان داستان پردازی نیست، و از قصه به مثابه وسیله‌ای جهت القاء بهتر محتوا و مضمونی معین بهره می‌برند، به مانند داستان‌های امروزی نمی‌باشند. قصص قرآن نقل تاریخی هستند، بنابراین شخصیت‌های موجود در آن نیز تاریخی و واقعی می‌باشند. از این رو نمی‌توان نام شخصیت‌های قرآنی و بررسی متناسب آن با کارکرد شخصیت‌ها را بسان داستان‌های بشری دانست. در داستان‌های بشری، احتمال آن می‌رود که نویسنده با توجه به فضای داستان اقدام به انتخاب نام

شخصیت‌ها بنماید و در نتیجه میان نام و کارکرد داستانی شخصیت‌ها ارتباط و هماهنگی برقرار نماید. در حالی که این امر در قصص قرآنی - با عنایت به تاریخی و واقعی بودن قصص قرآن - امکان پذیر نمی باشد، و اگر در این قصص، میان نام شخصیت‌ها و کارکرد داستانی‌شان تناسبی وجود داشته باشد، خود نشانه وجود نوع سومی از ارتباط میان نام شخصیت و کارکرد آن می باشد. شایان ذکر است که صفات شخصیت مورد بررسی بصورت مستقیم و غیر مستقیم (استنباطی از کنش‌های گفتاری و رفتاری) ذکر شده است. همچنین به سبب آن که فرعون بعنوان حاکم مصر دارای قدرت بوده و بر دیگران تسلط داشته، صفت قدرت نیز به سایر صفات مورد بررسی افزوده شده است. پژوهش حاضر تنها ابعاد دال و مدلول شخصیت فرعون را بررسی نموده و سایر بخش‌های موجود در نظریه هامون از قبیل طبقه بندی شخصیت‌ها، سطوح تحلیل شخصیت و موارد مشابه را بررسی ننموده است، چرا که در میان شخصیت‌های قصه فرعون تنها شخصیت فرعون مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین ترجمه آیات براساس ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای می باشد و از نرم افزار جامع تفاسیر نور جهت استخراج میزان ذکر نام شخصیت‌ها استفاده شده است.

گذری بر نشانه و نشانه‌شناسی

نشانه (Signe) به معنای علامت می باشد. فردینان دو سوسور نشانه را از طریق مقوله‌های دال (Signifier) و مدلول (Signified) توضیح می دهد. او عقیده دارد که «ترکیب مفهوم و صورت آوایی مجموعه‌ای به نام نشانه را به وجود می آورد. مفهوم، معنی یا مدلول و صورت آوایی، لفظ یا دال نامیده می شود» (دینه سن، ۱۳۸۰: ۲۶). به عبارت ساده‌تر، در حوزه زبان، می توان ترکیب کلمه (دال) و معنای آن (مدلول) را نشانه دانست. البته شایان ذکر است که نشانه و نشانه‌شناسی دامنه بسیار وسیعی را دارا می باشد و تنها محدود به حوزه زبان نیست. می توان نشانه‌شناسی را دانش بررسی نشانه‌های گوناگون دانست. به عبارت دیگر «نشانه‌شناسی علمی است که به مطالعه ی نظام‌های نشانه ای نظیر زبان‌ها، رمزگان‌ها، نظام‌های علامتی و غیره می پردازد» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۳). امبرتو اکو (Umberto Eco)، نشانه‌شناس سرشناس ایتالیایی، تعریفی بسیار ساده و کوتاه از نشانه‌شناسی ارائه می دهد، و به صورت غیر مستقیم به گسترده‌گی این دانش اشاره می کند. «نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتوان آن را نشانه دانست سرو کار دارد» (قائم‌نی، ۱۳۸۹: ۴۲). نشانه‌شناسی در رابطه با متن، می-تواند بعنوان وسیله‌ای برای تشخیص متون ادبی به کار رود. بدین ترتیب «هدف از پژوهش

های نشانه‌شناسی، بیان ویژگی‌های ساختاری و شکلی است که متن ادبی را از سایر متون متمایز می‌نماید» (یوسف العرجا، ۲۰۰۲: ۱۴). اگر نشانه‌شناسی بعنوان دانشی تلقی شود که تمامی نشانه‌ها را در بر می‌گیرد، می‌تواند به مثابه چراغی باشد که درک بهتر جهان پیرامون را میسر می‌سازد. بنابراین «از نشانه‌شناسی می‌آموزیم که ما در جهان نشانه‌ها زندگی می‌کنیم و تنها از طریق نشانه‌ها و رمزها ست که می‌توان هر چیزی را درک کرد» (تشاندرلر، ۲۰۰۸: ۴۳). اما شاید بتوان به صورت موجز، هدف نشانه‌شناسی را «کشف ساختارهای دلالتی از جمله ساختار، دلالت و هدف گفتمان‌ها و فعالیت‌های بشری، پژوهش در رابطه با قواعد، کارکرد و پابندی به موضوع سیستم‌های ارتباطی و وضع قوانین جامع، جهت بررسی سطحی و عمقی گفتمان‌های ادبی» (حمداوی، ۲۰۱۵: ۷) دانست.

نشانه‌شناسی ادبی شخصیت

هدف نشانه‌شناسی ادبی کشف ارتباط میان نویسنده، متن و خواننده می‌باشد. «نشانه‌شناسی ادبی یافتن مناسبت میان... تصویر(دال) و... تصور(مدلول) است. هدفش در نهایت کشف مناسبتی است میان آنچه نویسنده ارائه کرده است و آنچه خواننده فهمیده یا تاویل کرده است» (احمدی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶). به عبارت دیگر نشانه‌شناسی ادبی با بررسی مناسبت‌های مذکور و کشف ارتباط میانشان می‌کوشد تا به معانی و مفاهیمی که در ورای این مناسبت‌هاست، دست یابد. همچنین از جمله تفاوت‌های نشانه‌زبانی و ادبی می‌توان به این نکته اشاره کرد که «در نشانه‌زبانی معنی قاموسی لفظ مورد نظر است، و در نشانه‌ادبی ماوراء لفظ مورد توجه قرار می‌گیرد» (طاهری نیا وحیدری، ۱۳۹۳: ۴۸).

براساس پژوهش‌های نشانه‌شناسی، هر شخصیت خود تصویری از شخصی انسانی و چند بعدی است. همچنین نشانه‌شناسی شخصیت، تمامی عوامل سازنده شخصیت از جمله ویژگی‌های ظاهری و روانی اعم از نام، لباس، کارکرد، رویکرد اجتماعی - فرهنگی و ایدئولوژی را در بر می‌گیرد، و این در حالی است که از روابط میان شخصیت‌ها غافل نمی‌شود (یوسف العرجا، ۲۰۰۲: ۲۱).. بدین ترتیب بررسی نشانه‌شناختی شخصیت، موجب شناختی جامع و کامل از ابعاد مختلف شخصیت می‌گردد.

همچنین شایان ذکر است که شخصیت بعنوان نشانه، قابل تقسیم به دال و مدلول می‌باشد، اما دارای تفاوت‌هایی با نشانه‌زبانی است. شخصیت هنگام خلقش در متن به نشانه بدل می‌شود. در حالی که نشانه‌زبانی از گذشته آماده و حاضر بوده است، بجز هنگامی که از معنای

اصلی خود فاصله گرفته و در بلاغت مورد استفاده قرار می‌گیرد. افرادی چون پراپ، سورپو، گریماس و هامون شخصیت را نشانه‌ای خالی می‌دانند که بوسیله گرد آمدن اسم، صفات و تلفظ شکل می‌گیرد و سرشار از معنا می‌گردد (معلم، ۲۰۰۶: ۳۱۱ و ۳۱۲).

نام‌شناسی شخصیت

اسامی و نام‌هایی که نویسنده برای شخصیت‌های داستان‌ها و قصص گوناگون بر می‌گزیند، تنها وسیله‌ای برای نامیدن آن‌ها به شمار نمی‌آید. چرا که «در عالم داستان نویسی چون نویسندگان از روی قصد و اراده گاه به خلق واقعیت‌ها به صورت آرمانی و گاه به صورت هجوآمیز و دست کاری شده می‌پردازند، به این خاطر بسیاری از نام‌ها و واقعیت‌ها با تعمد و طرح از پیش تعیین شده، دارای مفاهیم ضمنی، استعاری و کنایی هستند و بر حقایق فراتر از سطح ظاهری و بافت طبیعی خود دلالت می‌کنند» (شیری، ۱۳۸۷: ۱۴۱). از این رو نام شخصیت‌ها خود بعنوان وسیله‌ای جهت کشف ابعاد بیشتری از شخصیت مطرح می‌گردد.

نشانه‌شناسی ادبی شخصیت از دیدگاه هامون

فیلیپ هامون نشانه‌شناسی فرانسوی است. وی آراء و نظرات خود را پیرامون نشانه‌شناسی شخصیت، در مقاله‌ای تحت عنوان «نشانه‌شناسی شخصیت‌های داستانی» [..... ..] (هامون، ۱۹۹۰: ۷).

الگوی هامون

هامون در بررسی نشانه‌ای شخصیت، آن را تحت سه عنوان مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. این عناوین عبارتند از: شخصیت به مثابه مدلول، شخصیت به مثابه دال و سطوح تحلیل شخصیت.

شخصیت به مثابه مدلول

هامون شخصیت مدلول را از طریق بیان ویژگی‌ها و کارکردهای آن توضیح می‌دهد؛ که به سه دسته تقسیم می‌شوند: صفات و کارکردهای شخصیت (جنسیت، اصلیت جغرافیایی، جهان بینی، ثروت و کارکردهای شش گانه که عبارتند از: یافتن کمک، سپردن امور به دیگران، عقد پیمان، دست یافتن به اطلاعات، یافتن آنچه مورد نیاز است و رویارویی موفق)، ارتباط شخصیت‌ها با یکدیگر، طبقه بندی شخصیت‌ها (معلم، ۲۰۰۶: ۳۲۱ و ۳۲۲).

همچنین هامون به منظور بررسی تردد و میزان حضور شخصیت‌ها، و بر اساس معیارهای کمی و کیفی یک تقسیم بندی ارائه می‌دهد تا به میزان تراکم، تواتر و تکرار شخصیت‌ها پی ببرد. در این تقسیم بندی شخصیت طبق عناوین: صفت واحد، صفت مکرر، احتمال واحد، احتمال مکرر، کنش واحد و کنش مکرر، بررسی می‌گردد (حمداوی، ۲۰۱۵: ۶۲). بنابراین شخصیت به مثابه مدلول، از طریق کارکرد و صفاتی که در داستان از آن برخوردار است، بررسی می‌گردد.

شخصیت به مثابه دال

در شخصیت به مثابه دال، نام شخصیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. فیصل الاحمر، به نقل از کتاب *القراءة و تولید الدلالة* حمید لحمدانی، سبب دال بودن شخصیت را این گونه توضیح می‌دهد. شخصیت دال است، « زیرا دربرگیرنده نام‌ها و ویژگی‌ها و صفات متعددی است که خلاصه ای از هویت شخصیت را ارائه می‌دهند». بعنوان مثال اسامی شخصیت‌های رمان‌های نجیب محفوظ از حیث محله‌ها، مناطق، طبقه اجتماعی و... با یکدیگر تفاوت دارند (الاحمر، ۲۰۱۰: ۲۱۹). «به عقیده هامون دال اصلی در شخصیت، اسم خاص (علم) است؛ چرا که اسم خاص ویژگی‌ها و پایه‌های دلالتی و نشانه ای شخصیت را آشکار می‌سازد» (حمداوی، ۲۰۱۰: ۱). همچنین فیلیپ هامون شخصیت دال را علاوه بر اسم خاص (علم)، از طریق ضمیر و تاکید بر بعد بلاغی آن نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. ضامتر در تکوین و تشکیل شخصیت داستان، نقشی ضعیفتر از اسم خاص (علم) را ایفا می‌کنند؛ چرا که اسم خاص، باعث تمایز روشن شخصیت‌ها از یکدیگر در داستان می‌گردد. در بعد بلاغی نیز، اسامی خاص (علم) (اسم، لقب و کنیه) به منظور اشاره، رمز و هنجار شکنی (انزیاچ) مورد استفاده قرار می‌گیرند، و بدین ترتیب از بعدی مجازی، استعاره‌ای و ایحائی (تداعی ذهنی) که خود برپایه مجاز، استعاره، کنایه، رمز، تشبیه و... شکل گرفته، برخوردار می‌شوند (حمداوی، ۲۰۱۵: ۵۵-۵۹).

سطوح تحلیل شخصیت

تحلیل شخصیت در دو سطح مورد بررسی قرار می‌گیرد: ساختار بازیگران و ساختار عوامل. در ساختار نخست، سطح ابتدایی و سطحی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بدین ترتیب بررسی صفات بارز و خاص و... به استخراج و کشف محورهای دلالتی می‌انجامد. در سطح عوامل نیز الگوی کنشی مورد بررسی قرار می‌گیرد و بازیگران [یا شخصیت‌ها] بر اساس جایگاه کنشی که در متن دارند، تقسیم بندی می‌شوند (هامون، ۱۹۹۰: ۱۱۰).

فرعون در قرآن کریم

در قرآن کریم نام فرعون ۷۴ بار مستقیماً ذکر شده است. این نام پس از نام موسی (ع) با ۱۳۶ مرتبه تکرار، پر بسامدترین نام خاص در قرآن کریم محسوب می‌شود. در قرآن کریم تنها از فرعون زمان موسی (ع) به طور مستقیم سخن به میان آمده است. در سوره های بقره، آل عمران، اعراف، انفال، یونس، هود، ابراهیم، اسراء، طه، مومنون، شعراء، نمل، قصص، عنکبوت، ص، غافر، زخرف، دخان، ق، ذاریات، قمر، تحریم، حاقه، مزمل، نازعات، بروج و فجر، به قصه این شخصیت اشاره شده است. جنبه‌هایی که از قصه او در قرآن ذکر شده است عبارتند از: کشتن پسران و زنده نگاه داشتن زنان، ماجرای رها کردن موسی (ع) در آب توسط مادرش و گرفتن او از آب توسط آل فرعون، تربیت موسی (ع) نزد فرعون، دعوت موسی (ع) از فرعون و قومش به سوی خداوند، معجزات موسی (ع) نزد فرعون، رویارویی موسی (ع) با ساحران تحت امر فرعون، وجود فرعونیان در نعمت، ذکر برخی از عذاب های نازل شده بر آل فرعون، دستور ساخت برج توسط فرعون به منظور اطلاع از خدای موسی (ع)، ادعای خدایی فرعون، تعقیب موسی (ع) و یارانش توسط فرعون، نجات موسی (ع) و قومش و هلاک شدن و غرق شدن فرعونیان، توبه فرعون و عدم قبول آن از طرف خداوند و وعده به عبرت شدن جسد او برای دیگران.

جایگاه فرعون در مصر

فرعون لقب پادشاهان مصر بوده است. آنان از قدرت بسیاری در مصر برخوردار بودند و خود را خدا و مالک مصر می‌دانسته اند. «[در آن زمان کاهنان فرعون] به مردم مصر القاء کرده بودند که اطاعت از فرمان فرعون، فرمانبرداری از خدایان [است]... فرعون خود را دارای اختیارات نامحدود می‌دانست و اوامر او لازم الاجرا به وسیله هر مقامی در قلمرو فرمانروایی فرعون بود... [او همچنین] از اختیارات نظامی نیز برخوردار بود و در واقع مالک سرتاسر کشور و ساکنان آن به شمار می‌آمد» (خدادادیان، ۱۳۸۸: ۲۴ و ۲۵).

ساختار نشانه ای شخصیت فرعون

در رابطه با فرعون تنها آیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که اشاره به شخص فرعون داشته باشد. به دیگر سخن آیات مربوط به ملاً فرعون (بزرگان قوم او) و آل فرعون (خاندان و قوم او) مورد بررسی قرار نمی‌گیرد، جز در مواردی که بتوان شخص فرعون را نیز از زمره آنان دانست.

شخصیت فرعون به مثابه مدلول

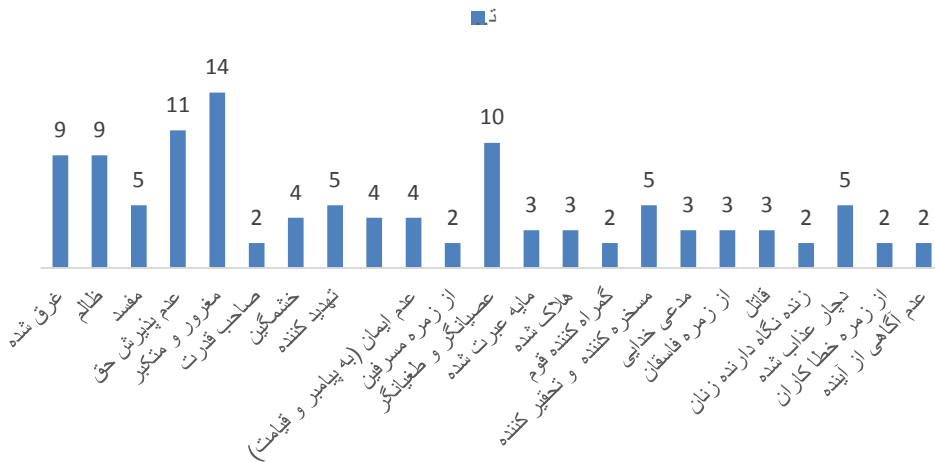
در این بخش صفات، کنش‌های گفتاری و کنش‌های رفتاری شخصیت فرعون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

صفات

صفات شامل: صفت واحد، صفت مکرر، منطقه جغرافیایی، جهان بینی، قدرت و ثروت می‌شود.

صفات واحد: از زمره غافلان/ از زمره مجرمان/ صاحب زینت/ صاحب ثروت/ مدعی ایمان به خدا (در هنگام مرگ)/ صاحب دستورات منافی هدایت/ وارد کننده قوم خود به آتش/ افراطی/ منت گذارنده/ مشورت کننده/ جهنمی/ عدم پایان خوش/ از زمره نکوهیدگان/ تباهی در دنیا و آخرت/ چیره و غالب نبودن/ مورد غضب خداوند/ از زمره کافران/ ترس از دست دادن قدرت/ توهم حرکت در مسیر صحیح/ پیمان شکن/ عذاب خوار کننده/ پشیمان/ از جمله خنده کنندگان.

صفات مکرر:



صفت مکرر (۱)

منطقه جغرافیایی: فرعون پادشاه و فرمانروای مصر بود.

جهان بینی: صفات مذکور در قرآن به روشنی جهان بینی فرعون را بیان می‌کند. فرعون شخصی بود که قرآن همواره او را در زمره غافلان، مجرمان، ظالمان، مفسدان، مسرفان، تکذیب کنندگان، نکوهیدگان، عصیانگران، کافران، فاسقان و خطا کاران قرار می‌دهد. او تنها به عقاید خود متکی بود و هیچ انتقادی را نمی‌پذیرفت.

قدرت: او پادشاه و مالک مصر و مصریان بوده است. در قرآن کریم نیز از قدرت او سخن رفته است. همین قدرت سبب شد تا دچار کبر و نخوت شود، ادعای خدایی کند و ظلم و ستم را بعنوان وسیله ای جهت نیل به اهدافش بکار گیرد. هر چند که قدرت وی منجر به چیرگی بر موسی (ع) و پیروانش نشد.

ثروت: طبیعتا کسی مانند فرعون که مالک تمامی مصر بود، از تمامی ثروت های آن دیار نیز برخوردار بوده است. در آیات قرآن نیز از ثروت او و خاندانش سخن رفته است.

صفات فراوانی در رابطه با فرعون در قرآن کریم ذکر شده است. اکثر این صفات را صفات منفی تشکیل داده‌اند. پر بسامد ترین صفت در رابطه با این شخصیت را می‌توان صفت متکبر بودن او دانست. پس از آن نیز می‌توان به نپذیرفتن حق توسط وی و مقاومت در برابر موسی (ع) اشاره نمود. شایان ذکر است که این صفت را نیز می‌توان نتیجه صفت نخست دانست. زیرا فردی که بسیار متکبر و مغرور است، طبیعتا به پذیرش سخنی خلاف دیدگاه و آراء خود تن نمی‌دهد. از جمله سایر صفات پرتکرار فرعون می‌توان به عصیانگری و ظالم بودن و غرق شدن او اشاره نمود. هر چند که در میان این صفات به عذاب شدن او اشاره شده است، اما غرق شدن او به صورت خاص نیز مورد تاکید قرار گرفته است.

البته در این میان، علاوه بر موارد پر تکرار مذکور در رابطه با فرعون می‌توان به صفات دیگری نیز اشاره نمود، که علی رغم این که کمتر ذکر گشته اند، اما در شناخت شخصیت فرعون موثر می‌باشند. در این رابطه می‌توان به ادعای خدایی کردن وی اشاره نمود. او آن قدر مغرور بود که خود را خدا می‌دانست و با ظلم و تهدید به اداره امور می‌پرداخت. البته او در حالی ادعای خدایی می‌کرد که طبق صفات مندرج در قرآن از آینده آگاه نبوده و موجبات هلاکت خویش و قوم خود را فراهم آورد. همچنین صفت ایمان به خدا توسط او و در آخرین لحظات حیاتش، می‌تواند حداقل در ظاهر، ذیل صفت پشیمانی قرار گیرد.

کنش گفتاری فرعون

کنش گفتاری فرعون، می‌تواند جنبه‌های بسیار مفیدی از شخصیت وی را روشن سازد. در ۱۱ سوره سخنان فرعون مطرح شده است. این سخنان در ۴۱ آیه آمده است. سخنان وی در اکثر موارد مختص به گفتگوی میان او و موسی (ع) می‌باشد. در بسیاری از آیات ماجرای دعوت موسی (ع) از فرعون برای ایمان آوردن به خداوند ذکر شده است. آیات مختلف، گاه از زبان فرعون و گاه از زبان او و بزرگان قومش، موضع‌گیری آنان را در برابر پیامبر خدا به نمایش می‌گذارد.

در آیه ۱۰۶ سوره اعراف فرعون خواستار مشاهده نشانه‌ای از پیامبری موسی (ع) می‌شود. (قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ) (فرعون پاسخ داد که اگر دلیلی برای صدق خود داری بیار اگر از راستگویانی) در این آیه فرعون خواسته‌ای را مطرح می‌کند، که بدون آن، نمی‌توان ایمان آورد. این درخواست‌ها و سوالات باز هم تکرار می‌شود. در آیه ۴۹ سوره طه نیز فرعون سوالی را مطرح می‌نماید. (قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى) (فرعون گفت: ای موسی، خدای شما کیست؟) و در آیه ۲۳ سوره شعراء نیز می‌گوید (قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ) (باز فرعون به موسی گفت: ربّ العالمین چیست؟) همچنین در آیه ۳۱ سوره مذکور آمده (قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ) (فرعون گفت: آن معجزه را بیار اگر راست می‌گویی؟)

شاید با این جملات، فرعون به مثابه حاکمی حق طلب انگاشته شود که با طرح سوالات و درخواست‌هایی، خواستار اطلاع از خدای موسی (ع) می‌گردد. اما با سخنان دیگری هویت واقعی او آشکار می‌شود. پس از آن که موسی (ع) پاسخ سوالات را ارائه کرد و معجزاتش به نمایش درآمد، نه تنها فرعون و هم‌کیشانانش ایمان نیاوردند، بلکه مدعی شدند که او ساحر است. اشاره به این امر بارها صورت گرفته است. از جمله: (فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ) (یونس/۷۶) (و چون حق از جانب ما بر آنها آمد گفتند: این سحر بودنش بر همه آشکار است). (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاَسْأَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا) (الاسراء/۱۰۱) (و همانا ما به موسی نه آیت روشن و معجزه آشکار عطا کردیم، این حکایت را از بنی اسرائیل سؤال کن که موسی بر آنها آمد، پس فرعون به او گفت: ای موسی، من تو را سحرزده (یا ساحر و سحر آموز) می‌پندارم). (فَلَمَّا جَاءَهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ) (النمل/۱۳) (اما چون آیات و

معجزات ما به طور روشن به آنها ارائه شد گفتند که این سحر بودنش روشن و آشکار است) (قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ) (الشعراء/۳۴) (فرعون رو به درباریانش کرد و گفت: این مرد ساحری بسیار ماهر و داناست).

البته اشاره آنان به ساحر بودن موسی (ع) در بعضی اوقات، بیانگر ترس و نگرانی فرعونیان مبنی بر خارج شدن از مصر و از دست دادن ملکشان می‌باشد. مانند: (قَالَ أَجِئْتَنَا لِنُخْرِجَنَّكَ مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى) (طه/۵۷) (فرعون گفت: ای موسی، تو آمده‌ای به طمع آنکه ما را از کشورمان به سحر و شعبده خود بیرون کنی؟) و یا (يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ) (الشعراء/۳۵) (که می‌خواهد بدین سحر و شعبده‌ها شما (مردم مصر) را از کشور خود آواره کند، حال شما چه می‌فرمایید؟)

همچنین فرعون و همراهانش علاوه بر نسبت سحر به پیامبر خدا، به طرق مختلف دیگری نیز متوسل می‌شوند تا دعوت موسی (ع) را بی اثر نمایند. از جمله روش‌های فرعون بکارگیری جمعی از ساحران به منظور رقابت با موسی (ع) بوده است. (وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَأَنْتَوْنِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ) (یونس/۷۹) (و فرعون (به اتباعش) گفت: هر کجا ساحری ماهر و داناست همه را نزد من حاضر کنید). در آیه ای دیگر این چنین به تعیین موعد رقابت می‌پردازد: (فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى) (طه/۵۸) (ما هم در مقابل سحر تو سحری البته خواهیم آورد پس میان ما و خودت موعدی معین کن که بی آنکه هیچ یک از ما خلف وعده کنیم در سرزمین مسطحی (که خلاق ببینند، برای سحر و ساحری) مهیا شویم).

فرعون با این سخنان و با توجه به تکبر و غرور خود، مطمئن بود که موسی (ع) را شکست خواهد داد. اما نتیجه ای غیر منتظره او را غافلگیر کرد. شکست ساحران و اظهار ایمان به خدا از سوی آنان، امری بود که فرعون را بسیار خشمگین نمود و باعث شد که لب به تهدید ساحران بگشاید. قرآن کریم در چند آیه به ذکر گفته‌های فرعون می‌پردازد که به سبب مشابهت در مضمون به ذکر نمونه‌ای از آن بسنده می‌شود. (قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرٌ كُفُّوا الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى) (طه/۷۱) (فرعون گفت: شما چرا پیش از آنکه من اجازه دهم به موسی ایمان آوردید؟ معلوم است که او در سحر معلم شما بوده، باری من شما را دست

و پا بر خلاف یکدیگر می‌برم و بر تنه نخلهای خرما به دار می‌آویزم و خواهید دانست که عذاب (من و موسی) کدام سخت‌تر و پاینده‌تر است).

فرعون همواره سعی بر تحقیر و به سخره گرفتن موسی (ع) نموده است. بعنوان مثال در برخی از گفته‌هایش از موسی (ع) بعنوان مجنون یاد کرده است. مانند: (قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ) (الشعراء/۲۷) (باز فرعون گفت: این رسولی که به سوی شما به رسالت فرستاده شده سخت دیوانه است). همچنین در جای دیگری لکنت زبان موسی (ع) را این چنین دست مایه به سخره گرفتن او قرار می‌دهد: (أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ) (الزخرف/۵۲) (بلکه من (به ریاست و سلطنت) بهترم تا چنین مرد فقیر خواری که هیچ منطق و بیان روشنی ندارد؟) شاید بتوان سبب برخورد این چنینی فرعون با موسی (ع) را در احساس ترس و اضطراب ناشی از به خطر افتادن حکومت وی دانست. چنان که خود این گونه از ترسش سخن می‌گوید: (وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ) (غافر/۲۶) (و فرعون (به درباریانش) گفت: بگذارید تا من موسی را به قتل رسانم و او خدای خود را به یاری طلبد، می‌ترسم که آیین شما را تغییر دهد و در زمین فتنه و فساد برانگیزد).

همان طور که پیشتر ذکر شد، فرعون همواره خود را خدای مصریان می‌دانسته است. این امر را به وضوح می‌توان در سخنان وی مشاهده نمود. مانند: (وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِّنْ إِلَهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي أُطْعَمُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ) (القصص/۳۸) (و فرعون (با بزرگان قوم خود چنین) گفت: ای مهتران، من هیچ کس را غیر خودم خدای شما نمی‌دانم، (و با وزیرش گفت: ای هامان خشتی در آتش پخته و از آن برای من قصری بلند پایه بنا کن تا من بر خدای موسی مطلع شوم هر چند او را (در دعوی رسالت) از دروغگویان می‌پندارم). ویا این گفته (فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ) (النازعات/۲۴) (و گفت: منم خدای بزرگ شما).

فرعون معتقد بود که خداست و جهت عدم تاثیر پذیری سایرین از موسی (ع) سعی بر تاکید بر ظواهر قدرت خود داشت. (وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ) (الزخرف/۵۱) (و فرعون در میان قومش آوازه بلند کرد که ای مردم، آیا کشور با عظمت مصر از من نیست؟ و چنین نهرها از زیر قصر من جاری

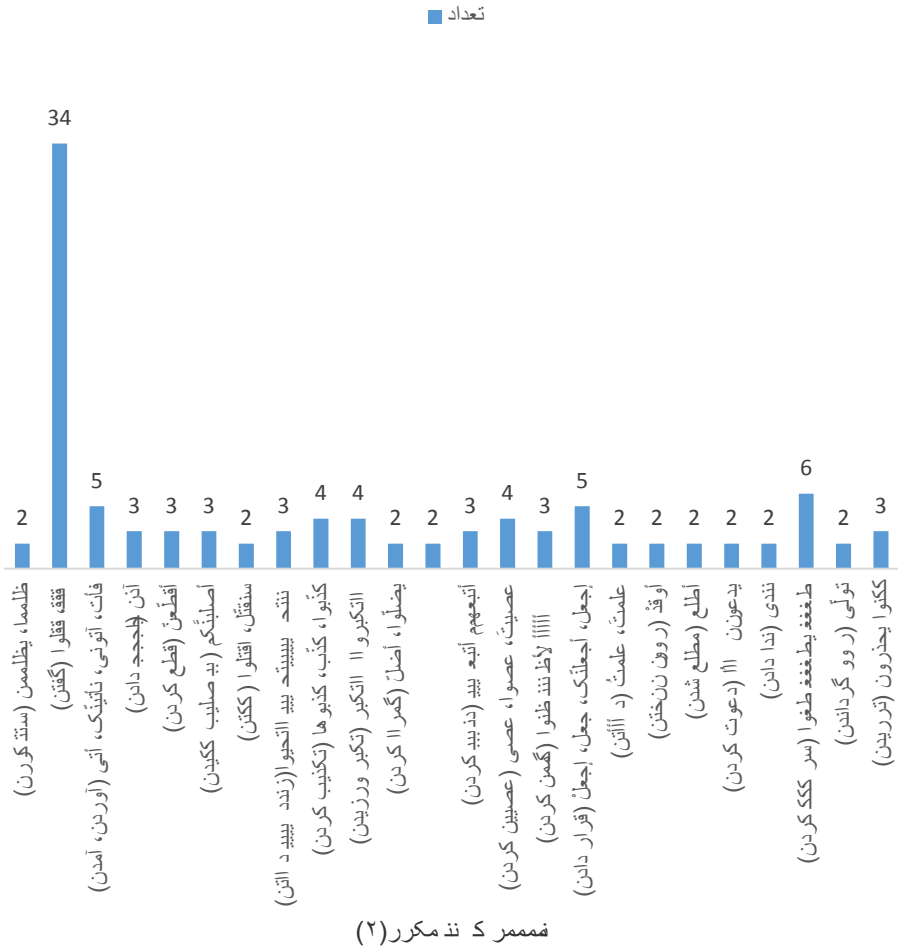
نیست؟ آیا (عزت و جلال مرا در عالم به چشم) مشاهده نمی‌کنید؟) وی با این سخنان سعی بر عوام فریبی و جلب توجه مردم به خود داشت، تا سخنان موسی (ع) بر آنان مؤثر نیفتد. اما به راستی فرعون نمی‌دانست که خدا نیست؟ حقیقت این چنین می‌نماید که او در برابر مصریان خود را خدا می‌دانسته و نه نزد خود. آخرین جمله فرعون در لحظات پایانی زندگیش مؤید این امر می‌باشد. (وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ) (یونس/۹۰) (و ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم پس آن گاه فرعون و سپاهش به ظلم و ستمگری آنها را تعقیب کردند تا چون هنگام غرق فرعون فرا رسید گفت: اینک من ایمان آوردم که حقاً جز آن کسی که بنی اسرائیل به او ایمان دارند خدایی در عالم نیست و من هم از مسلمانان و اهل تسلیم فرمان او هستم).

کنش رفتاری فرعون

کنش رفتاری فرعون به دو دسته کنش واحد و کنش مکرر تقسیم می‌شود.

کنش واحد: یصنع (ساختن)/ کاناو یعرشون (افراشتن)/ وجدنا (یافتن)/ یفتنهم (فتنه کردن)/ آمنت (ایمان آوردن)/ یقدم (پیشاپیش آمدن)/ آوردهم (وارد کردن)/ أراد (خواستن)/ یستفزههم (برانداختن)/ یخشی (ترسیدن)/ یفرط (افراط کردن)/ اَبی (سرباز زدن)/ لا نخلفه (خلف وعده نکردن)/ جمع (جمع کردن)/ ما هدی (هدایت نکردن)/ نرَبک (پرورش دادن)/ اُرسل (فرستادن)/ عَبَدت (بنده کردن)/ تمنها (منت گذاردن)/ جحدوا (انکار کردن)/ علا (تکبر ورزیدن)/ یستضعف (ضعیف کردن)/ یدتیح (کشتن)/ لا یشعرون (بی خبر بودن)/ لا یُنصرون (یاری نشدن)/ ذرونی (اجازه دادن)/ أخاف (ترسیدن)/ ما اریکم (رای و نظر ندادن)/ اری (رای و نظر دادن)/ اهدیکم (هدایت کردن)/ اِبْن (ساختن)/ اَبْلَغُ (رسیدن)/ یضحکون (خندیدن)/ یرجعون (بازگشتن)/ ینکثون (پیمان شکنی کردن)/ استخفَّ (دلیل ساختن)/ اَسفونا (به خشم آوردن)/ جاء (آمدن)/ اَدبر (روی گرداندن)/ یسعی (تلاش کردن)/ حشر (جمع کردن)/ اکثروا (افزودن)/ لا یرجعون (بازگردانده نشدن).

کنش مکرر:



در میان کنش‌های رفتاری (افعال) فرعون، ماده قال از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. قال و مشتقات مذکور آن در آیات، با ۳۴ مرتبه تکرار، فراوان‌ترین کنش رفتاری فرعون به شمار می‌آید. البته شایان ذکر است که منظور از احتساب ماده قال به مثابه کنش رفتاری، تنها صرف عمل سخن گفتن می‌باشد. چرا که در بخش کنش گفتاری فرعون به سخنان وی اشاره شد. در مرتبه بعدی طغی و مشتقاتش با شش مرتبه تکرار قرار دارد که اگر با فعل مشابهش یعنی عصى و مشتقات آن یک جا محاسبه گردد، میزان تکرارش به ۱۰ مرتبه می‌رسد. وجود کنش‌های رفتاری فراوان یک شخصیت، می‌تواند دلیل بر نقش و تاثیر بسیار آن شخصیت در روند

شکل‌گیری قصه و پیشبرد حوادث آن باشد. از این رو و با در نظر گرفتن فعالیت و تحرک بسیار فرعون در قصه، می‌توان او را از جمله مهمترین شخصیت‌های این قصه محسوب نمود.

شخصیت فرعون به مثابه دال

در این بخش شخصیت فرعون از حیث نام، جایگاه نحوی، ضمائر مرتبط و بعد بلاغی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

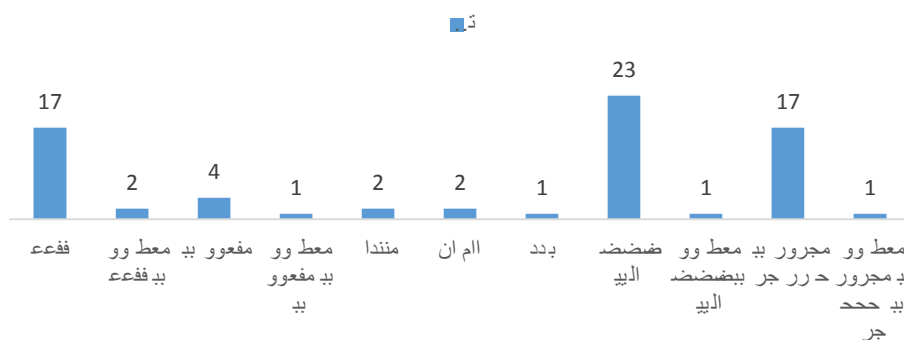
نام فرعون

در رابطه با ریشه این واژه گفته‌های بسیاری وجود دارد، که هریک این واژه را وام گرفته از زبانی دیگر می‌داند. کتب گوناگونی از جمله المعرب معتقد به غیر عربی بودن این واژه هستند. برخی معتقدند که فرعون از زبان عبری وارد زبان عربی شده است، اما آرتور جفری (Arthur Jeffrey) خاورشناس معروف معتقد است که به احتمال فراوان این واژه از زبان سریانی گرفته شده است (جفری، ۱۳۸۶: ۳۱۸). همچنین برخی از زبان دانان بر این عقیده هستند که واژه فرعون از زبان قبطی وارد زبان عربی شده است (الشاعر، ۲۰۰۴: ۶۸). از حیث علمیت نیز واژه فرعون علم شخص نیست بلکه علم جنس است، زیرا لقبی است که در زمان سکونت بنی اسرائیل در مصر، بر کل شاهان مصر اطلاق می‌شد. این واژه غیر عربی و غیر منصرف است (الخالدی، ۲۰۰۲: ۱۱۶).

اما از حیث ساختار واژه و معنای آن نیز دیدگاه‌های متعددی ارائه شده است. در کتاب المعجم الوسیط که توسط مصریان نگاشته شده است، آمده است که «اصل واژه فرعون در زبان مصری (پُرعو) و بدون حرف ن می‌باشد، و بمعنای خانه بزرگ است» (مجمع اللغة العربیة، ۲۰۰۴: ۶۸۴). همچنین در کتاب قاموس کتاب مقدس نیز به ساختار و معنای واژه فرعون اشاره شده است، که علاوه بر ذکر معنای خانه بزرگ، معانی دیگری را نیز در رابطه با این واژه ذکر می‌نماید. «بعضی را گمان چنان است که لفظ فرعون مشتق از دو حرف است یعنی (فآه) که بمنزله الف و لام تعریف است و (رآ) که بمعنی آفتاب می‌باشد؛ بعضی دیگر گویند که از (ادرو) که لفظ قبطی و بمعنی پادشاه می‌باشد مشتق است، ولی سایر مدققین برآنند که لفظ فرعون یعنی خانه بزرگ» (هاکس، ۱۳۴۹: ۶۴۹). اما شاید عجیب‌ترین معنای واژه فرعون را بتوان معنای قدیمی آن در زبان قبطی دانست. معنای آن در زبان قبطی، تمساح می‌باشد، اما از این معنا فاصله گرفته و بعنوان اسم، بمنظور نام گذاری مورد استفاده قرار گرفته است (الشاعر، ۲۰۰۴: ۶۸).

بدین ترتیب واژه فرعون غیر عربی است و معانی گوناگونی را دارا می‌باشد. از جمله تمساح در قبطی قدیم، خانه بزرگ، پادشاه و آفتاب. صرف نظر از معنای تمساح این واژه، سایر معانی با کارکرد شخصیت فرعون و نقش وی در قصه تناسب و هماهنگی دارند. به عبارت دیگر کنش‌های گفتاری و رفتاری و صفات شخصیت مورد بحث، هم سو با معانی واژه فرعون می‌باشد. بعنوان مثال معنای خانه بزرگ که شاید معروف‌ترین معنای این واژه نیز باشد، می‌تواند نشانگر قدرت فرعون و جامعیت حکومت او باشد که تمامی مصر و مصریان را در بر گرفته بود.

جایگاه نحوی نام فرعون



د نندند ن نندند نندند فرعون (۳)

طبق این داده‌ها واژه فرعون در قرآن، ۲۳ مرتبه به صورت مضاف الیه به کار رفته است، که با افزودن یک مورد معطوف به مضاف الیه به ۲۴ مرتبه می‌رسد. از این رو مضاف الیه پر بسامد ترین نقش این واژه به شمار می‌آید. در ۱۴ مورد از موارد مذکور، واژه فرعون به شکل مضاف الیه برای واژه آل آمده است. پس از آن، واژه قوم سه مرتبه و امرأه دو مرتبه به صورت مضاف برای واژه فرعون آمده است. همچنین واژه‌های «کید»، «عزه» و «أمر» نیز از جمله واژگانی هستند که به واژه فرعون اضافه گشته‌اند. تنها در یک مورد واژه فرعون معطوف به مضاف الیه شده است. در این آیه واژه فرعون معطوف به واژه موسی گشته که خود مضاف الیه واژه نبأ می‌باشد. بنابراین می‌توان برآیند مطالب مذکور را اشاره و تاکید قرآن بر آل و قوم فرعون، و تأثیر پذیری او از آنان دانست. همچنین نقش فاعلی فرعون نیز با احتساب نقش معطوف به فاعل، ۱۹ مرتبه مورد استفاده قرار گرفته است. فراوان بودن نقش فاعلی می‌تواند بیانگر کنش‌های بسیار فرعون در قصه و در نتیجه فعالیت و نقش مستقیم وی در پیشبرد روند قصه باشد. همچنین تعداد اندک نقش مفعولی این واژه نیز مؤید این سخن می‌باشد.

ضمائر مرتبط با فرعون

هو: فاعل (مستتر) (۴۷ مرتبه) / نائب فاعل (مستتر) (۱) / تاکید فاعل (۱) / مبتدا (۱) / اسم
کان (مستتر) (۲).

هـ: مفعول به (۹) / اسم ان (۶) / مضاف الیه (۲۶) / مجرور به حرف جر (۱).
هما: مضاف الیه (۲).

هم: مفعول به (۱۶) / مبتدا (۳) / اسم ان (۶) / اسم لعل (۱) / مضاف الیه (۵) / مجرور به حرف
جر (۴).

و: فاعل (۳۴) / اسم کان (۱۳).

أنت: فاعل (مستتر) (۱۴) / اسم کان (مستتر) (۱).

ت: فاعل (۲) / اسم کان (۱).

ک: مفعول به (۸) / مضاف الیه (۵) / مجرور به حرف جر (۲).
تم: اسم کان (۱).

کم: مفعول به (۶) / مضاف الیه (۶) / مجرور به حرف جر (۱).
أنا: فاعل (مستتر) (۲۰) / مبتدا (۳).

ت: فاعل (۲).

ی: مفعول به (۲) / اسم ان (۴) / اسم لعل (۲) / مضاف الیه (۲) / مجرور به حرف جر (۵).

نحن: فاعل (مستتر) (۶) / تاکید فاعل (۱) / اسم ما (۱).

نا: فاعل (۱) / مفعول به (۴) / اسم ان (۲) / مضاف الیه (۵) / مجرور به حرف جر (۴).

براساس داده‌های فوق ۲۸۹ ضمیر مرتبط با فرعون می‌باشد. ضمیر هو در نقش فاعل (مستتر) با ۴۷ مرتبه تکرار، بیش از سایر ضمائر ذکر شده است. پس از این ضمیر، ضمیر (و) در نقش فاعل با ۳۴ مرتبه تکرار قرار می‌گیرد. بدین ترتیب پر تکرارترین ضمائر مرتبط با فرعون در نقش فاعلی به کار رفته‌اند و این امر می‌تواند نشانگر اهمیت این شخصیت در قصه باشد. اما نقش فاعلی او زمانی پررنگ‌تر می‌گردد که تمامی ضمائری که در نقش فاعلی بکار رفته‌اند مورد بررسی قرار گیرند. بررسی این امر بیان می‌کند که نقش فاعلی توسط ضمائر گوناگون، ۱۲۶ مرتبه بکار رفته است. این بدان معناست که ضمائر در نقش فاعل تقریباً نیمی از کل ضمائر مرتبط با فرعون را به خود اختصاص داده‌اند. بدین ترتیب نقش چشمگیر شخصیت فرعون در

شکل‌گیری رویدادهای قصه از سویی، و تعداد بالای ضمایر مرتبط با وی از سویی دیگر، اهمیت این شخصیت در قصه را بیان می‌نماید.

بعد بلاغی نام فرعون

در زبان عربی از واژه فرعون فعل **تَفَرَّعَنَّ** ساخته شده است، و بر کسی دلالت دارد که در تکبر مشابه فرعون است (الخالدی، ۲۰۰۲: ۱۱۶). ساخت فعل از این واژه و با این معنا بدین سبب می‌باشد که در قرآن کریم بسیار از تکبر فرعون یاد شده است. قرآن کریم میان فراعنه تفاوت قائل است و همه فراعنه را به یک شکل معرفی نمی‌نماید. مقصود از فرعون مذکور در قرآن تنها فرعون یا فراعنه زمان موسی (ع) می‌باشد، که متکبر و ظالم بوده است. در سایر موارد خداوند با نام‌هایی دیگر از فرعون یاد می‌کند. مانند فرعون هم عهد یوسف (ع)، که قرآن از او با تعبیر ملک یاد می‌نماید. بدین ترتیب می‌توان این گونه نتیجه گرفت که قرآن از ذکر فرعون یا فراعنه زمان موسی (ع) با صفات منفی، و عدم ذکر واژه فرعون جهت نامیدن سایر فراعنه موجود در قرآن، به دنبال تثبیت نام فرعون در ذهن مخاطب بعنوان شخصیتی متکبر و ظالم بوده است. از این رو نام فرعون به نمادی بدل شد که نشانگر حاکم متکبر است.

نتیجه‌گیری

بررسی صفات شخصیت فرعون بیانگر آن است که وی پادشاه و مالک مصر و مصریان بوده و از قدرت و ثروت فراوانی برخوردار بوده است، همچنین او از زمره کافران به خداوند به شمار می‌آید. با وجود این که فرعون حاکمی ظالم، قدرتمند و مغرور به شمار می‌آید، اما از شخصیتی قوی و با صلابت برخوردار نبوده و طبق مطالب ذکر شده حتی در برابر موسی (ع) که از نظر قدرت و ثروت با فرعون قابل مقایسه نبود دچار ترس و اضطراب می‌گشته است. کنش گفتاری فرعون به مواردی چون: اصرار بر باورها و اعتقادات خود، عدم پذیرش حق، دادن نسبت سحر به موسی (ع)، سعی بر تحقیر و تمسخر موسی (ع)، ترس از دست دادن حکومت، غرور، خدا دانستن خویش، تأکید بر قدرت خود و اظهار ایمان به خداوند یکتا در واپسین لحظات زندگی، اشاره می‌نماید. در کنش رفتاری فرعون، قال و مشتقات مذکور آن در آیات، فراوان‌ترین کنش رفتاری فرعون به شمار می‌آید. این امر می‌تواند نشانه تأکید قرآن کریم بر کنش گفتاری او باشد. از حیث نام نیز واژه فرعون غیر عربی است و دارای معانی و مفاهیمی چون تمساح در قبطی قدیم، خانه بزرگ، پادشاه و آفتاب می‌باشد، که اکثر این معانی با کارکرد شخصیت

فرعون و نقش وی در قصه تناسب و هماهنگی دارند. نقش مضاف الیه پر بسامدترین جایگاه نحوی فرعون می‌باشد که در اکثر موارد، واژگان (آل) و (قوم) بدان اضافه گشته‌اند، که می‌توان آن را نشانه اشاره و تاکید قرآن بر آل و قوم فرعون، و تأثیر پذیری او از آنان دانست. همچنین فراوان بودن نقش فاعلی واژه فرعون نیز می‌تواند بیانگر کنش‌های بسیار فرعون در قصه و در نتیجه فعالیت و نقش مستقیم وی در پیشبرد روند قصه باشد. در رابطه با انبوه ضمائر مرتبط با فرعون، تکرار بسیار ضمیر هو در نقش فاعل (مستتر) به طور خاص از سویی، و قرار گرفتن فراوان ضمائر، در نقش‌های فاعلی از سویی دیگر، می‌تواند نشانه نقش چشمگیر و اهمیت بسزای شخصیت فرعون در قصه باشد. همچنین بعد بلاغی نام فرعون نیز نشانه استفاده قرآن از آن، به مثابه نماد حاکمی متکبر و ظالم است. در این پژوهش با بررسی معنای نام شخصیت فرعون، و تطبیق آن با کارکرد داستانی آن از طریق بررسی صفات، کنش‌های گفتاری و کنش‌های رفتاری، ثابت شد که میان نام و کارکرد شخصیت فرعون هماهنگی و ارتباط وجود دارد. همچنین با توجه به این که پژوهش حاضر، بر اساس دانش نشانه‌شناسی به بررسی و تحلیل شخصیت فرعون در قرآن کریم پرداخته است، و با توجه به ارتباط میان دانش نشانه‌شناسی و تأویل، می‌توان به این نکته اشاره نمود که این پژوهش به سبب بیان ابعاد پنهان شخصیت فرعون و آشکار ساختن چیستی آن، می‌تواند به درک عمیق و فهم دقیق و ظرایف معانی قرآن کمک نماید.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که در پژوهش حاضر تلاش شد تا از زاویه‌ای متفاوت شخصیت فرعون مورد بررسی قرار گیرد. این امر بدان مفهوم نیست که تمامی موارد مطرح شده کاملاً صحیح و خالی از اشکال هستند، چرا که پژوهش پیرامون متون مقدس بویژه قرآن کریم، دارای ویژگی‌های خاصی است و دقت فراوانی را می‌طلبد. از این رو امید است تا این پژوهش علی‌رغم تمامی کاستی‌ها و کمبودها، توانسته باشد گامی هر چند کوچک، در راه فهم و درک دقیق‌تر و عمیق‌تر مفاهیم عظیم قرآن کریم بردارد.

منابع

کتاب عربی

- ۱- «القرآن الکریم».
- ۲- الاحمر، فیصل، (۲۰۱۰)، «معجم السیمیائیات»، الطبعة الاولى، بیروت/الجزائر: الدار العربیة للعلوم منشورات الاختلاف.
- ۳- تشاندلر، دانیال، (۲۰۰۸)، «أسس السیمیائیة»، ترجمه طلال وهبه، الطبعة الاولى، بیروت: المنظمة العربیة للترجمة.
- ۴- حمداوی، جمیل، (۲۰۱۵)، «الاتجاهات السیمیوطیقیة»، الطبعة الاولى، مكتبة المتقف (almothaqaf.com).
- ۵- الخالدي، صلاح عبد الفتاح، (۲۰۰۲)، «الأعلام الاعجمیة فی القرآن»، (د.ط)، دمشق: دار القلم.
- ۶- الشاعر، عبد العزیز فتحی خلیل، (۲۰۰۴)، «الأعلام الممنوعة من الصرف فی القرآن الکریم»، الطبعة الاولى، القاهرة: مكتبة الآداب.
- ۷- مجمع اللغة العربیة، (إبراهیم مصطفی / أحمد الزیات / حامد عبد القادر / محمد النجار)، (۲۰۰۴)، «المعجم الوسیط»، الطبعة الرابعة، مكتبة الشروق الدولية.
- ۸- هامون، فیلیب، (۱۹۹۰)، «سمیولوجیة الشخصیات الروائیة»، ترجمه سعید بنگراد، (د.ط)، المغرب: دار الکلام.

کتاب فارسی

- ۱- احمدی، بابک، (۱۳۷۵)، «ساختار و تاویل متن ج ۱»، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- ۲- الهی قمشه‌ای، مهدی، (۱۳۸۰)، «ترجمه قرآن»، چاپ دوم، قم: انتشارات فاطمة الزهراء.
- ۳- جفری، آرتور، (۱۳۸۶)، «واژه های دخیل در قرآن مجید»، ترجمه فریدون بدره ای، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.
- ۴- خدادادیان، اردشیر، (۱۳۸۸)، «تاریخ مصر باستان»، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- ۵- دینه سن، آنه ماری، (۱۳۸۰)، «درآمدی بر نشانه شناسی»، ترجمه مظفر قهرمان، چاپ اول، آبادان: نشر پرشش.
- ۶- قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۸۹)، «بیولوژی نص»، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۷- گیرو، پیر، (۱۳۸۰)، «نشانه شناسی»، ترجمه محمد نبوی، چاپ اول، تهران: آگاه.
- ۸- هاکس، جیمز، (۱۳۴۹)، «قاموس کتاب مقدس»، چاپ دوم، تهران: کتابخانه طهوری.

مقالات عربی

- ۱- حمداوی، جمیل، (۲۰۱۰)، «سیمیاء اسم العلم شخصی فی الروایة العربیة (۲-۲)»، صحیفه المثقف (almothaqaf.com)، العدد ۱۵۸۱.
- ۲- معلم، وردة، (۲۰۰۶)، «الشخصیة فی السیمیائیات السردیة»، الملتقى الوطنی الرابع السیمیاء و النص الادبی، جامعة محمد خیضر بسكرة، كلية الآداب و العلوم الانسانیة و العلوم الاجتماعیة، الجزائر، ۲۸-۲۹ نوفمبر، ص ۳۱۱-۳۲۹.
- ۳- یوسف العرجا، جهاد، (۲۰۰۲)، «سیمیائیة الشخصیات فی القاهرة الجدیة لنجیب محفوظ»، کلیة الآداب- قسم اللغة العربیة، الجامعة الإسلامیة بغزة.

مقالات فارسی

- ۱- شیری، قهرمان، (۱۳۷۸)، «نام گزینی در روزگار سپری شده دولت آبادی»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س)، سال هجدهم، شماره ۷۴، ص ۱۱۳-۱۴۴.
- ۲- طاهری نیا، علی باقر، زهره حیدری، (۱۳۹۳)، «ساختار نشانه ای شخصیت حضرت مریم (س) در قرآن کریم»، فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال پنجم، شماره پانزدهم، بهار، ص ۴۵-۶۴.

نرم افزار

« نرم افزار جامع تفاسیر نور »، نسخه ۲/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

